

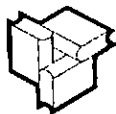
جماعت‌های تصویری

بنادیکت آندرسن

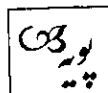
ترجمه‌ی مجید حسینی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد

واحد علوم و تحقیقات آیت‌الله امینی



رخداد نو



مؤسسه مطالعات بنیادین

سرشناسه: آندرسن، بندیکت ریچارد اوگورمن، ۱۹۳۶ م.
Anderson, Benedict R. O'G (Benedict Richard O'Gorman)

عنوان و نام پدیدآور: جماعت‌های تصویری / بندیکت آندرسن: ترجمه‌ی محمد محمدی

مشخصات نشر: تهران: رخ داد نو، ۱۳۹۱

شابک: ۵ - ۳۴ - ۶۴۵۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

مشخصات ظاهری: ۳۷۰ ص

یادداشت: عنوان اصلی:

Imagined communities: reflections on the origin and
Spread of nationalism, 2006.

ملی گرای - تاریخ

محمدی، محمد، مترجم

۱۳۹۱ ج ۸ الف / JC ۳۱۱

۳۲۰/۵۴

۲۹۵۳۴۵۲

تهران. خیابان انقلاب، رونه. اندرسن، مجتمه فروزنه، واحد ۵۱۲.

کد پستی ۱۳۱۴۷۴۴۱۷۸، تهران: ۶۶۴۹۸۲۹۳، نمابر: ۶۶۴۹۸۲۹۴

• ناشر رخ داد نو با همکاری مؤسسه‌ی بویه

Benedict Anderson

بندیکت آندرسن

Imagined Communities

جماعت‌های تصویری

ترجمه‌ی محمد محمدی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد

واحد علوم و تحقیقات آیت‌الله املی

• چاپ اول ۱۳۹۳ تهران • شمارگان ۱۰۰۰ نسخه • قیمت ۱۰۰۰ تومان

• لیتوگرافی خدمات فرهنگی صبا • چاپ تصویر • قیمت ۱۰۰۰ تومان

• طرح روی جلد حسن کریمزاده

ISBN 978-600-6457-34-5

شابک ۵-۳۴-۶۴۵۷-۶۰۰-۹۷۸

Printed in Iran

همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مقدمه

هویت چیست و هویت ملی کدام است؟ پاسخ به این سؤال در گرو توضیح و چرایی و علل پیدایش آن است. "هویت ملی" پدیده‌ای اجتماعی است که دست‌کم حدود ده قرن است که مورد توجه نظریه‌پردازان علوم اجتماعی قرار گرفته است. امروزه اساسات و هیجانات عمومی مردم یک کشور پس از پیروزی تیم فوئال (کسری) که با اهتزاز پرچم و سرود و نمادهای ملی همراه است تا تعلقات زبانی، ادبیات و مذهب و جنگ‌های منطقه‌ای و ... پدیده‌هایی هستند که در چارچوب سبیه‌ها مرتبط با ملیت‌خواهی قابل مطالعه و بررسی است. پرسش درباره‌ی هویت ملی در حقیقت پرسش درباره‌ی علل پدیدایی و آثار و نتایج آن است.

از نخستین روزی که مؤسسه‌ی مطالعات بنیادین پویه تأسیس شد، موضوع مطالعه و پژوهش درباره‌ی "هویت ملی و ملیت‌خواهی ایرانی" در کانون توجه مدیران مؤسسه قرار گرفت. در گام نخست ضروری بود که عمیق‌ترین نظریات در این باره به زبان فارسی معرفی شود و بعد از آن نتایج مطالعات درباره‌ی ملیت‌خواهی ایرانی انتشار یابد. تا انتشار این اثر، شمار آثار ملیت‌خواهی به زبان فارسی در زمینه‌ی ناسیونالیسم از شمار انگشتان یک دست برآورد می‌شود و متأسفانه در میان آن‌ها جای آثار اصلی همچنان خالی است.

هویت‌خواهی ملی به‌مثابه‌ی یک نظام اعتقادی، باور یا ایدئولوژی سیاسی، نوعی تلاش برای ایجاد همانندگرایی در میان گروه‌های مختلف یک واحد ملی است که از حیث نظری در نیمه‌ی دوم قرن هجدهم میلادی ابداع شد. در خصوص ملیت‌خواهی دو گروه از نظریات برجسته‌تر از همه است:

۱. تفسیر پیشینه‌گرا (primordialist interpretation): این نظریه را می‌توان برآمد نظریات انسان‌شناسی متأثر از نظریه‌ی "تکامل انواع" داروین به‌شمار آورد. پذیرفتن "اصل تکامل" متضمن این باور است که بر اثر تغییرات ناشی از محیط زیست، چگونگی زندگی و شرایط اقلیمی، به سبب انتخاب طبیعی، ویژگی‌های ژنتیک و خصلت‌های مشترک در یک گروه اجتماعی به ارث می‌رسند. این نظریه در گذشته با مفهوم قومیت و نژاد توجیه می‌شد. علوم زیستی نیز بعدها به کمک تفسیر پیشینه‌گرا آمد.

۲. تفسیر مدرن‌گرا (modernist interpretation): این نظریه را می‌توان برآمد نظریات اجتماعی مدرن به‌شمار آورد. در این میان نظریه‌پردازانی همچون ارنست گلبنر (E. Gellner)، الی خدوری (Eli Khadouri) و بندیکت آندرسن (Benedict Anderson) مهم‌ترین ادبیات کلاسیک ملیت‌خواهی را پدید آورده‌اند. ملیت‌خواهی به‌عنوان یکی از مؤثرترین قدرت‌ها در جهان مدرن به‌سان یک ایدئولوژی و نیز همچون یک جنبش اجتماعی بر انقلاب‌های امریکا و فرانسه تأثیر زیادی داشته است. ملیت‌خواهی اهمیتی این چنین از اواسط سده‌ی نوزدهم در عرصه‌ی مطالعات بین‌دانشگاهی و در مراحل بعد به عرصه‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل و حتی زبان‌شناسی و فلسفه هم مطرح می‌شود. به این ترتیب به صورت مطالعه‌ای بین رشته‌ای در رشته‌ای که در زمینه‌های مختلف علوم انسانی در نوسان است. پس از گذر از نیمه‌ی سده‌ی بیستم میلادی است که ملیت‌خواهی به‌عنوان یک رشته‌ی مطالعاتی هر چند بین رشته‌ای، استقلالی متناسب با اهمیت و تأثیر خود می‌یابد. و به تدریج با تلاش‌ها و نظریه‌پردازی‌ها، مفاهیم ملت و ملیت‌خواهی تعریف می‌شوند و بسط می‌یابند. تفسیر مدرن از ملیت‌خواهی دو رویکرد عمده تکوین یافته‌است:

۱. رویکرد مبتنی بر ملیت‌خواهی قومی: بنابراین رویکرد ملیت و ملیت‌خواهی به لحاظ اجتماعی و عینی با دوره‌ی رمانتیسیسم آلمانی پیوند دارد؛ و از حیث اندیشگی بر دیدگاه‌های "یوهان گاتفرید هردر" (Johann Gottfried Herder)

استوار است. طبق این رویکرد اجزای تشکیل دهنده ملت، زبان، فرهنگ و سنت است. در این رویکرد قوی، کموبیش، با اذعان نظر به وجوه عینی زندگی اجتماعی ملت به عنوان یک پیکره‌ی جمعی قلمداد می‌شود که فراتر از یکایک افراد و نیز مقدم بر دولت است.

۲. رویکرد مبتنی بر ملیت‌خواهی مدنی: در برابر رویکرد قومی به ملت‌خواهی، رویکرد مدنی قرار دارد. این نظریه به لحاظ عینی و اجتماعی ریشه در انقلاب فرانسه دارد و از حیث اندیشگی و ذهنی، بر دیدگاه‌های "ارنست رنار" استوار است. به گفته‌ی رنار، ملیت‌خواهی حاکی از یک "همه‌پرسی روزانه" است بر این اساس این انگارد. ملت یک مجمع داوطلبانه از افراد برای خود دولت ایجاد کنند و از طریق همین دولت به هم پیوند می‌خورند. تا اواخر دهه‌ی ۱۹۰۰ میلادی این دیدگاه معتبرترین نظریه‌ی ملیت‌خواهی به‌شمار می‌رفت. از آن پس، تئوری نظریه‌پردازان در تعریف ملت و ملیت‌خواهی و مفهوم‌سازی در مورد آن به ریشه‌های ملت و ملیت‌خواهی معطوف می‌شود.

بر اساس رویکردهای یادشده، برای به‌کارگیری یا سرپیچی عمده شکل گرفته است که در یکی از آن‌ها منشأ ملیت‌خواهی به‌کارگیری پیشامدرن و دیگری به دنیای مدرن ارجاع می‌شود. در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که رویکرد پیشامدرن به ملیت‌خواهی، با اختلافاتی، با رویکرد قومی به ملت‌خواهی متناظر می‌شود و رویکرد مدرن با رویکرد مدنی. از میان نظریه‌پردازانی که با رویکرد پیشامدرن به تدوین نظریات خود می‌پردازند می‌توان از کلیفورد گیرتز، هبستر، تسن، جان آرمسترانگ، پیروان دی برگ، سوزان رینولدز و آنتونی اسمیت نام برد. در مجموع با رویکرد پیشامدرن این دیدگاه توسعه می‌یابد که ملت

هسته‌ی مرکزی قومی دارد و در واقع بنیان‌های آن بر مؤلفه‌های قومی استوار است. این هسته‌ی مرکزی قومی پیش از آفرینش ملت‌ها وجود داشته و همچنان وجه مهمی از ملت‌های معاصر است. طرح کردن هسته‌ی مرکزی قومی لزوماً به این معنا نیست که ملت‌ها نیاکانی مشترک دارند که واقعیتهای تاریخی دارد، بلکه مدعای طرفداران رویکرد پیشامدرن آن است که آنچه اهمیت دارد، حس

مشترک در مورد نیاکان است. از نظر آنان، این حس تنها در دوره‌ی مدرن ایجاد شده است، بلکه پیش از آن نیز وجود داشته است. در میان باورمندان به رویکرد پیشامدرن نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود. برخی عینیت بیشتری برای گذشته‌ی قومی و نیاکان اسطوره‌ای که موجب حس تعلق است، قائل‌اند و برخی نیز چنین حسی را بیشتر مربوط به برساخته‌هایی از گذشته‌ای مبهم و متفاوت می‌دانند. در مقابل، نظریه‌پردازان با رویکرد مدرن قرار دارند که از میان آن‌ها می‌توان از الی کدوری، کارل دویچ، ارنست گلنر، اریک هابسبام، جان رولی، لایا گرینفیلد و بندیکت اندرسن نام برد. در یک نگاه کلی، مدرن‌ها برآنند که ملت و ملیت‌خواهی ذاتاً جوهر انسانی نیست. آنان برجبه‌ی ذهنی احساسات و عواطف ملی تأکید می‌کنند که نسبت با موقعیت‌های به وجود آمده در عصر مدرن تبیین می‌شوند. براین اساس، از نظر آنان ملت و ملیت‌خواهی نتیجه‌ی مدرنیزاسیون و برساخته‌هایی است که آن جنبه‌های عینی که مورد تأکید مدرنیست‌هاست، اوضاع و احوال مادی دوره‌ی مدرن مانند صنعتی شدن و مناسبات سرمایه‌دارانه و تحول در شیوه‌ی تولید را که عامل ملت و ملیت‌خواهی امکان بروز می‌دهد و سبب آمادگی جماعت‌هایی به سوی بر زبان، فرهنگ، سنت، تاریخ و نیاکان مشترکی تکیه کنند. در رویکرد مدرن به ملت‌خواهی گرایش‌های متفاوتی دیده می‌شود. برخی بر نیروهای اجتماعی و اقتصادی در ایجاد ملیت‌خواهی تکیه‌ی بیشتری می‌کنند و برخی دیگر به تأثیر ابزارهای مادی و فناوری ملیت‌خواهی توجه فراوان دارند. برخی ملیت‌خواهی را رو به گسترش و برخی دیگر رو به افول می‌دانند. اما در مجموع تلقی مدرنیست‌ها از ریشه‌ی ملیت‌خواهی به گونه‌ای است که آن را منوط و مشروط به وقایع تاریخی و حس ملیت‌خواهی کاربردی متناسب با یک وضع تاریخی خاص، یعنی وضع مدرن می‌دانند. براین اساس، اندریک اندرسن با وضوح بیشتر و اتکا به نظریه‌پردازی نیرومند خود، برساخته بودن ملت و ملیت‌خواهی را در کتاب جماعت‌های تصویری نمایان می‌سازد. اندرسن در کتاب منحصربه‌فرد خود، فرایند ایجاد ملت را در دوره‌ی مدرن از منظری عمدتاً فرهنگی و در پرتو نظریه‌ی تصویری بودن ملت، به‌عنوان یک

جماعت انسانی، روایت و بازنمایی می‌کند. او برای اثبات نظریه‌ی خودش به مطالعه‌ی چگونگی شکل‌گیری احساس ملی مشترک در امریکای شمالی و جنوبی، اروپا و آسیای شرقی به‌ویژه هندوچین می‌پردازد، و مدعی آن نیست که نظریه‌اش به مناطق دیگر دنیا نیز تسری‌پذیر است. او با تکیه بر تحولات تاریخی، امکان ایجاد ملت و ملیت‌خواهی را به‌طور مشخص با نشان دادن فروپاشی سلطه‌ی سه مدرم دیرپا نمایان می‌کند:

۱. در میان رفتن سلطه‌ی زبان نوشتاری برتری که به لحاظ هستی‌شناختی با هم حقیقت‌سوند دارد؛

۲. فروپاشی سازمان‌های اجتماعی پیشامدرن و از میان رفتن سلطه‌ی فرمانروایانی که بر دیگران متمایز و تحت تقدیری قدسی قرار دارند؛

۳. از میان رفتن سلطه‌ی مفهوم قدسی زمان (زمان کیهانی) که منشأ هستی و انسان را با یکدیگر برابری می‌دهد.

آن‌چه سبب شد با از میان رفتن این سه سلطه‌ی دیرپا، تأثیری تعیین‌کننده در آفرینش و ابداع ملت و ملیت‌های جدید شود، عبارتی است که اندرسن آن را "چاپ تجاری" می‌خواند، یعنی پخش اطلاعات و آگاهی‌ها و ایده‌ها از طریق متون چاپی، در قالبی تجاری و در سطحی وسیع. در چنین شرایطی سه سلطه‌ی زبان برتر، سازمان اجتماعی مبتنی بر پادشاهی و زمان قدسی از میان می‌رود، چاپ سرمایه‌داری باعث می‌شود تا انسان‌ها با استفاده از طریق یک زبان همگانی در جایگاهی میان یک زبان محلی و یک زبان منحصر به فرد قدسی، با یکدیگر پیوند یابند و یکدیگر را بیابند و درک کنند. همچنین این پدید باعث شد تا خود و دیگران را در یک سازمان اجتماعی افقی، به دور از تمرکز بر یک سلسله مراتب عمودی حس کنند و در یک زمان تهی همچون یک دایره ارتباطی میان خود و گذشتگان و آیندگان بیابند. بدین ترتیب یک ملت، یا یک "جماعت سیاسی تصویری" در ذهن افراد یک جماعت شکل می‌گیرد.

بی‌تردید نظریه‌ی "جماعت تصویری" هنوز هم در زمره‌ی تأثیرگذارترین نظریات در مورد ملت و ملیت‌خواهی است. فهم این نظریه دریچه‌ای است به

فهم جنبه‌های مهمی از نحوه‌ی شکل‌گیری جوامع امروزی و امکان تحولاتی که می‌تواند در چشم‌انداز این جوامع رخ دهد. ترجمه‌ی این اثر مقدمه‌ای بر بازشناسی نظریات مهم در زمینه‌ی ملیت‌خواهی است و مؤسسه مطالعات بنیادین پویه بر آن است که با انتشار مهم‌ترین آثار کلاسیک ملیت‌خواهی، پژوهش درباره‌ی ملیت‌خواهی ایرانی را با تحلیل انتقادی نظریات ملیت‌خواهی آغاز نماید. امید است ترجمه و انتشار این اثر برای جامعه‌ی دانشگاهی و سیاسی ایران مفید باشد و گفت‌وگوها درباره‌ی ملیت‌خواهی عمق و گسترش بیشتری یابد. مطالعات انتقادی آینده را فراروی پژوهشگران ایرانی بگشاید.

مؤسسه‌ی مطالعات بنیادین پویه

فهرست

۱۵.....	سپاسگزاری
۱۷.....	پیش درآمدی بر چاپ دوم کتاب
۲۵.....	فصل اول: مقدمه
۳۷.....	فصل دوم: ریشه‌های فرهنگی
۸۱.....	فصل سوم: خاستگاه‌های آگاهی ملی
۹۹.....	فصل چهارم: پیشگامان کریول
۱۲۷.....	فصل پنجم: زبان‌های قدیم، نمونه‌های جدید
۱۵۵.....	فصل ششم: ملیت‌خواهی رسمی و امپریالیسم
۲۰۱.....	فصل هفتم: موج آخر
۲۴۷.....	فصل هشتم: وطن‌دوستی و نژادپرستی
۲۸۱.....	فصل نهم: فرشته‌ی تاریخ
۳۱۱.....	فصل دهم: سرشماری، نقشه، موزه
۳۲۳.....	فصل یازدهم: خاطره و فراموشی
۳۵۵.....	کتاب‌شناسی

www.ketab.ir

سیاسگزاری

زمانه‌ای که بر خواننده‌ی این متن آشکار خواهد شد، اندیشه‌ی من دربارہی ملیت‌خواهی است. تأثر از نوشته‌های اریک اوئرباخ، والتر بنیامین و ویکتور ترنر است. در تذکر و یادداشت ساختن این کتاب، به‌وفور از انتقادات و نصایح برادرم پری اندرسون، آنتونی بارون، جی ای بالارد،^۱ محمد چمباس،^۲ پیتز کاتزنستین،^۳ مرحوم کس مومبر،^۴ فرانسیس مولرن،^۵ تام نیرن، شیرایشی تاکاشی،^۶ جیم سیگل،^۷ لورا سمرز،^۸ استا آنگار،^۹ به طرق مختلف استفاده کرده‌ام. مسلماً، هیچ‌یک از این منتقدان امر نباید مسئول نوشته‌های این متن قلمداد شوند، که مسئولیتش به‌طور کامل به عهدی من است. احتمالاً این را نیز باید اضافه کنم که به لحاظ آموزش و تخصص دانشگاهی، یک متخصص حوزه‌ی آسیای جنوب شرقی هستم. این پذیرش شاید موجب آن شود که، نه‌تنها، بعضی از جهت‌گیری‌های کتاب و چگونگی انتخاب مثال‌ها بی‌دلیل باشد، بلکه دعاوی جهانی آینده، که بعد از انتشار این کتاب مطرح خواهد شد نیز نازل باشد.

1: J. E. Balard

2: Mohamed Chambas

3: Peter Katzenstein

4: Alex Mortimer

5: Francis Mulhern

6: Shiraishi Takashi

7: Jim Siegel

8: Laura Summers

9: Esta Ungar

او تکلیف خود می‌داند تا در جهتی خلاف گرایشات
مسلط تاریخی، با تاریخ تماس حاصل کند.

والتر بنیامین، *تنویرات*

www.ketab.ir

پیش درآمدی بر چاپ دوم کتاب

آیا کسی گمان می‌کرد که توفان هرچه شدیدتر بوزد، از بهشت نیز هرچه بیشتر دور خواهد شد؟

برخورد ای ملحنه‌ی سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ در هندوچین، مناسبت بلافصلی برای رشته‌ی «تاریخ و جغرافیای اولیه‌ی جماعت‌های تصویری»^۱ بود، فقط دوازده سال بعد، پیشاپیش، طوریکه نظر می‌رسد که گویی متعلق به عصر دیگری است. پس از این واقعه، به شدت، وضعیت کشمکش‌های جنگ‌های تمام‌عیار بعدی بین دولت‌های سوسیالیستی بودم. کنور کیم از آن دولت‌ها به آوار تلنبارشده در زیر پای فرشته‌ی تاریخ^۲ ملحق شده‌اند. به نظر می‌رسد که به زودی به آن‌ها ملحق شوند. جنگ‌هایی که این جان بدربرندگان با آن روبه‌رو خواهند بود جنگ‌های داخلی است. به احتمال زیاد، آغاز هزاره‌ی جدید، قلمروی کمتری از اتحاد جماهیر شوروی، به جز تعدادی جزیره‌ی ... باقی بماند.

آیا باید به گونه‌ای در مورد همه‌ی این مسائل پیش‌بینی‌های لازم در نظر گرفته می‌شد؟ در ۱۹۸۳، نوشته بودم که اتحاد جماهیر شوروی «به همان میزانی که میراث‌بر دولت‌های سلطنتی ماقبل دوره‌ی شکل‌گیری است، است، به همان میزان نیز منادی نظم بین‌المللی قرن ۲۱ است». اما، با توجه به نشانه‌یابی‌های صورت‌گرفته درباره‌ی رشد ناگهانی و غلیان آن دست‌رزن جنبش‌های ملیت‌خواهانه که باعث شده بودند متصرفات چندقومی و چندزبانه‌ای

1. Imagined Communities

۲. درباره‌ی ویژگی‌های این فرشته، به فصل نهم کتاب مراجعه شود. م

که از وین، لندن، قسطنطنیه، پاریس و مادرید اداره می‌شد، نابود شود؛ نتوانستم دریابم که پیشرفت آن به جای دوردستی چون مسکو نیز خواهد رسید. وقتی مشاهده می‌کنیم که ظاهراً تاریخ، "منطق" حاکم بر جماعت‌های تصویری را بهتر از نویسنده‌ی کتاب به اثبات می‌رساند، آرامشی اندوه‌بار^۱ ما را فرامی‌گیرد.

این تنها دنیای معاصر نیست که چهره‌اش طی دوازده سال گذشته دچار تغییر و تحول شده است. مطالعات مربوط به ملیت‌خواهی — در روش، مقیاس، پیچیدگی و صرف کمیت — نیز به‌طرز جیوت‌آوری، به دگرگونی دچار شده است. در میان انگلیسی، اگر بخواهیم تعداد محدودی از آثار برجسته را نام ببریم، متوجه می‌شویم که *ملت‌ها قبل از ملیت‌خواهی*^۲ اثر ج. ای. آرمسترانگ^۳ (۱۹۸۲)؛ *ملت‌خواهی و دولت*^۴ از جان بریویلی^۵ (۱۹۸۲)؛ *ملت‌ها و ملیت‌خواهی*^۶ اثر ارنست گلس^۷ (۱۹۸۳)؛ *پیش‌شرط‌های احیای ملیت‌ها در اروپا*^۸ نوشته میروسلاو هورش^۹ (۱۹۸۴)؛ *خاستگاه‌های قومیتی ملت‌ها*^{۱۰} اثر آنتونی اسمیت^{۱۱} (۱۹۸۶)؛ *تفکر ملیت‌خواهی و دنیای استعماری*^{۱۲} از پارتا چترجی^{۱۳} (۱۹۸۶)؛ و *ملت‌ها و ملیت‌خواهی از ۱۷۸۸ تا امروز*^{۱۴} اثر اریک

1. melancholy consolation

2. Nations Before Nationalism

3. J. A. Armstrong

4. Nationalism and the State

5. John Breuilly

6. Nations and Nationalism

7. Ernest Gellner

8. Social Preconditions of National Revival in Europe

9. Miroslav Hroch

10. The Ethnic Origins of Nations

11. Anthony Smith

12. Nationalist Thought and the Colonial World

13. P. Chatterjee

14. Nations and Nationalism since 1788

هابسام^۱ (۱۹۹۰) تا میزان بسیار زیادی با استطاعت تاریخی و قدرت نظری‌شان توانستند ادبیات سنتی نوشته‌شده درباره‌ی این موضوع را به متونی مهجور و منسوخ مبدل سازند. این آثار، در حد خود، باعث گسترش فوق‌العاده‌ی آثار تاریخی، ادبی، مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی، فمینیستی، و مطالعات دیگری می‌شوند که موضوعات مورد پژوهش در این رشته‌ها را به ملت و ملیت‌خواهی مبدل می‌کند.^۲

رنگار کردن جماعت‌های تصویری با مقتضیات تغییرات وسیعی که در جهان صورت گرفته و رونق گرفتن آن با تمام مسائلی که در متن مطرح شده است، بیش از استطاعت و امکانات فعلی من است. بنابراین، به نظر رسید که بهتر آن است کتاب را، تا حد زیادی، همچون فقره‌ای تجدیدنظرنشده از یک دوره، همراه با سبک، سایه‌روشن‌ها، محل و هویت خاص آن، باقی بگذاریم. البته، دو چیز مایه‌ی تسلیام می‌شود: از یک سو، نتایج نهایی پیامد تغییراتی که در دنیای سوسیالیستی قدیم رخ داده است، در دنیای ما، با افق‌های از ابهام قرار دارد. از سوی دیگر، به نظر من، سبک نامتعارف و دغدغه‌ی مطرح‌شده در جماعت‌های تصویری، همچنان در حاشیه‌ی پژوهش‌های علمی جدیدتری است که درباره‌ی ملیت‌خواهی صورت می‌گیرد؛ در این صورت حداقل، هنوز به‌طور تمام‌وکمال، جایگزینی برای آن شکل نگرفته است.

آن‌چه در این چاپ، سعی کرده‌ام انجام دهم، صرفاً تحریف و اغلاطی است که به امور واقع، مفاهیم، و برداشت‌هایی که از همان آغاز در چاپ اصلی باید از آن‌ها اجتناب می‌شد، مربوط می‌شود. این اصلاحات، که به سبک‌رنی دارای

۱. Hobsbawm

۲. هابسام آن شجاعت را داشته است تا از این فوران علمی چنین نتیجه‌گیری کند که ملیت‌خواهی به پایان خود نزدیک می‌شود؛ جغد اسطوره‌ای مینروا (Minerva) در گرگ‌ومیش پایان شب به پرواز درمی‌آید. [اشاره‌ای است به این گفته‌ی معروف هگل در فلسفه حق: «تنها در زمانی که پایان شب آغاز می‌شود، جغد مینروا بال‌هایش را می‌گشاید». بدین معنی که فلسفه تنها زمانی به فهم یک واقعیه‌ی تاریخی نائل می‌شود که آن واقعه در حال سپری شدن باشد. م.]

حال‌وهوای ۱۹۸۳ است، تغییراتی در چاپ اول کتاب، و اضافه کردن دو فصل جدید را، که اساساً در حکم پیوستی جداگانه هستند، شامل می‌شود.

در متن اصلی، دو اشتباه جدی در ترجمه، حداقل یک وعده که بدان عمل نکرده بودم، و یک مورد تأکید نابه‌جا و گمراه‌کننده را کشف کردم. با توجه به آن که در ۱۹۸۳، به خواندن متون اسپانیایی قادر نبودم، با بی‌توجهی، بر ترجمه‌ی انگلیسی لئون ماریا گواررو^۱ از رمان به من کاری نداشته باش^۲، نوشته‌ی خوزه ریزال^۳ تکیه کردم؛ و این در حالی بود که ترجمه‌های دیگری از همین رمان قبلاً وجود داشت. فقط در ۱۹۹۰ بود که متوجه شدم تا چه حد، رونق رمان، به طرز فریبنده‌ای، مغشوش و تحریف‌شده بوده است. برای یک نقل‌قول طولانی و مهم از کتاب پرسش ملیت‌ها و سوسیال‌دموکراسی^۴ اثر اتو باوئر^۵ با تنبلی، به ترجمه‌ی اوسکار جاسزی^۶ از این اثر تکیه کردم. بررسی‌های بعدی من در میان اسناد آلمانی، نشان‌دهنده‌ی آن است که تا چه اندازه، نقل‌قول‌های جاسزی از تمایلات سیاسی‌اش رنگ گرفته است. حداقل در دو قسمت کتاب، به خود وعده داده‌ام که تأخیر ظهور ملیت‌خواهی برزیلی را در مقایسه با بروز آن در کشورهای دیگر امریکای لاتین توضیح بدهم. در متن کنونی سعی کردم به این وعده‌ی انجام‌نشده وفا کنم.

این قسمتی از طرح اولیه‌ام بود تا بر روی امریکا به‌عنوان خاستگاه اصلی ملیت‌خواهی تأکید کنم. احساس می‌کردم که این نظری ناآگاهانه‌ای، در مدت طولانی، نظریه‌پردازی درباره‌ی ملیت‌خواهی را منحرف کرده بود. پژوهشگران اروپایی، که به چنان نخوتی خو گرفته‌اند که با استغنا هر امر مهم را

1. Leon María Guerrero

2. Noli me Tangere

3. Jose Rizal

4. Die Nationalitätenfrage und die Sozialdemokratie

5. Otto Bauer

6. Oscar Jaszi

در دنیای مدرن به اروپا نسبت می‌دهند. به آسانی، "نسل دوم" ملیت‌خواهی‌های قومی - زبانی (مجارستانی، چکسلواکیایی، یونانی، لهستانی و ...) را، بدون توجه به این‌که این جنبش‌ها "در دفاع" از ملیت‌خواهی بودند یا بر "ضد" آن، در طراحی و نمونه‌سازی‌شان، از آن‌ها به‌عنوان آغازگر (ملیت‌خواهی) یاد کردند. وقتی کشف کردم که در بسیاری از اظهارنظرهای ذکرشده در جماعت‌های تصویری، آن تنوع نظری اروپامحورانه کاملاً دست‌نخورده مانده، و فصل بسیار مهم درباره‌ی خاصه آمریکای شمالی و جنوبی آن تا حد زیادی نادیده انگاشته شده است. بسیار ناگفتنی شد با تأسف، دریافتم که هیچ راه‌حل "فوری" برای از میان برداشتن این مشکل، بهتر از این نیست که عنوان فصل چهارم را به "پیشگامان اروپایی‌نژاد" تغییر دهم.

دو "پیوست" مذکور، این هدف اضافه شده است تا نقایص جدی‌ای که به لحاظ نظری در چاپ اول وجود داشت بدین‌وسیله برطرف شده. تعدادی از منتقدان، به صورتی دوستانه، اظهار کرده بودند که در فصل هفتم (موج آخر)، فرایندی که ملیت‌خواهی‌های آغازین "چهارم" را بر مبنای آن نمونه‌سازی شده بودند، بیش از حد ساده شده بود. علاوه بر این، در فصل مذکور به صورتی جدی، به سؤال مربوط به نقش دولت مستعمراتی مالی در طراحی و شکل‌گرفتن این ملیت‌خواهی‌ها پرداخته نشد؛ بلکه بیشتر به مادیات پرداخته شد. در همان حال، به صورت نگران‌کننده‌ای، آگاه شدم آن‌چه به باور من بسیار مهم و خدمتی جدید به اندیشه‌ورزی درباره‌ی ملیت‌خواهی (تغییر در افکار) مربوط به

1. 'Pioneers'

۲. پیوست اول در آغاز به صورت یک مقاله، در کنفرانسی در کراچی، در ژانویه ۱۹۸۹ ارائه شد. هزینه‌ی این کنفرانس را مؤسسه‌ی جهانی برای توسعه‌ی پژوهش اقتصادی دانشگاه سازمان ملل تقبل کرده بود. طرح کلی و پیش‌نویس دومین پیوست در مجله‌ی زیر، با عنوان "روایت ملل" (Narrating the Nation) چاپ شد:

The times Literary Supplement of June, 1986. 13.

3. metropole

زمان) به حساب می‌آمد، آشکارا، بدون همتراز ضروری دیگرش؛ یعنی تغییر دریافت‌های مربوط به مکان و فضا بود. پایان‌نامه‌ی دکتری هوشمندانه و درخشان مورخ تایلندی جوانی به نام تانگچای وینیچاکول^۱ باعث شد تا به نقش و سهم نقشه‌برداری در شکل‌گیری تصور ملیت‌خواهانه بیندیشم.

در این راه، در فصل "سرشماری، نقشه، موزه" به تجزیه و تحلیل راهی پرداخته شده است که طی آن، به‌طور کاملاً ناآگاهانه‌ای، دولت مستعمراتی قرن نوزدهم (و سیاست‌هایی که از ماهیت آن تراوش می‌کرد)، به‌طور منطقی، موجب به وجود آمدن قواعد حرکت ملیت‌خواهی‌هایی می‌شود که نهایتاً در برابر آن به جابجایی می‌چیزند. البته، ممکن است یکی تا آن‌جا پیش برود که مدعی شود دولت مستعمراتی قیابان محلی‌اش را مانند رؤیای شومی، قبل از آن‌که آن‌ها به حیات تاریخی‌شان وارد شده باشند، پیشگویانه به تصور درآورده بود. شیوه‌ی اندازه‌گیری انتزاعی سرشماری یا دسته‌بندی افراد، علامت‌گذاری آرم‌گونه‌ی^۲ فضاها، سیاسی با نقش، و ساختن غیرمقدس و فراگیری که متعاقب نقشه در موزه‌ها شکل می‌گیرد، به‌صورت راه میخته‌ای در شکل‌گیری چنین تصویری مؤثر بوده‌اند.

دلیل آغازین اضافه کردن "پیوست دوم" به تصدیق و بازشناسی شرم‌آوری مربوط می‌شود. در ۱۹۸۳، عبارتی از رنان^۳ بیان کرد که عملاً کمترین دریافتی از آن‌چه او گفته بود داشته باشم، نقل کردم: مرگ است، موردی را که در واقع امری کاملاً غیرمعمول و شگفت‌آور بود، چیزی که من نیز به حساب آورده بودم. شرم‌آوری مسأله موجب آن شد تا تصدیق کنم که برای این‌که چطور و چگونه ملل در حال ظهور جدید خود را قدیمی تصور می‌کنند، هیچ توضیح فهم‌پذیری به دست نداده‌ام. آن‌چه در بیشتر متون پژوهشی سردستی ماکیاولیستی، یا خیال‌پردازی بورژوازی، یا حقیقت تاریخی بی‌غرضانه ذکر شده

1. Thongchai Winichakul

2. logoization

3. Renan

است. اکنون، ژرفاندیشانه‌تر و بسیار جالب‌تر به‌نظر می‌آید. آیا می‌شود فرض را بر این گذاشت که "قدمت"^۱ در یک موقعیت و بزنگاه تاریخی خاص، پیامد ضروری "تازگی"^۲ بوده است؟ اگر ملیت‌خواهی، آن‌طور که من فرض کردم، ترجمان یک تغییر بنیادی در شکلی از آگاهی بود، آیا آگاهی از آن گسسته است؟ آیا فراموش کردن محتوم آگاهی قدیمی‌تر، روایت خاص خود را به وجود نمی‌آورد؟ وقتی از این منظر نگریسته می‌شود، خیال‌پردازی در مورد وابستگی به زمان گذشته، که خصیصه‌ی بارز بیشتر تفکرات ملیت‌خواهانه‌ی بعد از سال‌های ۱۸۰۰ میلادی است، امری تالی و پی‌آیند منطقی آن به حساب می‌آید. آن‌چه واقعاً مهم است، تردیفی و تطبیق ساختاری حافظه یا "خاطره"ی ملیت‌خواهانه بعد از سال‌های ۱۸۰۰ میلادی با مقدمات درونی و قواعد حاکم بر زندگی‌نامه‌نویسی و خود شرح‌حال‌نویسی نیست.

جدا از هرگونه قابلیت برای بیان نظری که هریک از "پیوست‌ها" ممکن است دارا باشند، در عین حال، تریب و محدودیت‌های عادی خاص خود را دارند. داده‌های مربوط به فصل "سرشماری، نقشه، مرز" تماماً از آسیای جنوب‌شرقی جمع‌آوری شده است. از آن‌جا که این نواحی مناطقی را شامل می‌شود که تقریباً به‌طور رسمی، مستعمره‌ی همه‌ی قدرت‌های امپریالیستی بزرگ (انگلستان، فرانسه، هلند، پرتغال، اسپانیا، و ایالات متحده آمریکا) شده بودند؛ و در عین حال، سیام مستعمره‌نشده را نیز شامل می‌شد، به‌طور منطقی، فرصت‌های بی‌نظیری در جهت نظریه‌پردازی تطبیقی فراهم می‌آورد. این همه، همچنان باید منتظر بود و دید که حتی اگر نظریه‌ی من درباره‌ی این منطقه قابل اطلاق باشد، آیا ممکن است به صورت متقاعدکننده‌ای در مورد بقیه‌ی جهان نیز پذیرفتنی باشد. در پیوست دوم، مطالب مبتنی بر تجربه‌ای که به‌طور احاطه‌شده مطرح شده است، تا حدودی، منحصرأ، به اروپای غربی و قاره‌ی آمریکا مربوط

1. antiquity

2. novelty

می‌شوند؛ یعنی مناطقی که دانش من در موردشان کاملاً سطحی و کم‌عمق است. با این حال، از آن جا که اولین بار در این مناطق، پژواک یادزدودن‌های ملیت‌خواهانه به گوش رسید، توجه اصلی باید به این مناطق معطوف باشد.

بندیکت آندرسن

فوریه‌ی ۱۹۹۱

www.ketab.ir